



حمله جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش پس از هجوم سراسری رژیم بعث عراق به خاک کشورمان

گزارشی از ناکامی های دشمن بعثی به دلیل حضور مقتدر نیروی هوایی ارتش

عراق جنگ هوایی را در همان روزهای اول باخت

در کترین‌های دفاعی کشورها معمولاً ۳ یا ۴ نیرو تعریف می شود. نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و نیروی دفاع راهبردی (که می‌توانند توان انمی باشند یا موشکی)، در ایران این نیروی چهارم با عنوان فرماندهی پدافندی تعریف شده است.توان پدافندی در تعریفی کلی تر، زیرمجموعه نیروی هوایی است. در بیشتر ارتش‌های جهان توان اصلی نظامی روی توان زمینی متمرکز است اما کشورهای زیادی نیز هستند که توان اصلی خود را روی توانایی هوایی متمرکز کرده‌اند.ارتش امریکا، ارتش اسرائیل، ارتش‌های کشورهای جنوب خلیج همیشه فارس و ارتش

ایران پیش از انقلاب از جمله این نیروها بوده هستند. ارتش امریکا عملاً کمر ارتش‌های ژاپن و آلمان را با نیروی هوایی شکست و اسرائیل هم در ۴ جنگ با اعراب با همین نیرو مصر، سوریه و اردن را شکست داد.ویژگی نیروی هوایی در قدرت بازدارندگی و جلوگیری از تلفات نیروهای خودی به میزان غیر قابل تحمل است. در این محبت چون هدف ما بررسی نیروی هوایی ایران است روی همین مورد متمرکز می شویم. متأسفانه نیروی هوایی ایران در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۱ کارنامه درخشانی (حاکمیت پهلوی اول) به دلیل خیانت فرماندهان از خود به جای نگذاشت اما نسل جوان این نیرو در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷ که عمدتاً افسرانی آتقدرد خوشفکر بودند با توجه به تجربه جنگ جهانی دوم مردانی وطن پرست تربیت کردند که حتی قادر بودند بدون فرماندهان ارشد، جنگی بزرگ را ادامه داده و به سرانجام برسانند. با پیروزی انقلاب در سال ۵۷ برخی انقلابیون و نفوذی‌های خارجی تحت تأثیر تندروی‌ها و چپ‌گرایی‌ها، نوک پیکان انقلاب را به سمت نیروهای حرفه‌ای نظامی کشور چرخاندند که نتیجه آن اعدام و بازنشستگی و اخراج فرماندهان نظامی از جمله افسران ارشد نیروی هوایی شد اما چنان‌که گفته شد این بار نیروی هوایی به گونه‌ای آموزش دیده بود که حتی بدون فرمانده هم قادر به دفاع از کشور بود. یک هفته بعد از پیروزی انقلاب، جنبش‌های جدایی طلبانه فعالیت خود را آغاز کردند. اینجا بود که در آن شرایط نیروی هوایی، نیروی زمینی (هوانیروز) و نیروی هوایی ارتش وارد میدان شده و در همه میدان‌ها سنبه‌سیر کردند. در نبردهای نامنظم کردستان مأموریت‌های سخت و غیرممکن را پایگاه‌های همدان و تبریز برعهده گرفتند تا رزمندگان سپاه و تکاوران تحت امر (شهید) مصطفی چمران تنها نمانند.

■ نقش نیروی هوایی در مقابله با ارتش عراق
در رگبری معروف پاره، ۳ بالگرد هوانیروز اف ۴ به خلبانی سرگرد نوزه از دست رفت. تا کلاه سبزها، چمران و پچه‌های سپاه مانع سقوط شهر پاره شوند. در حالی که تلاش سپاه و نیروی زمینی صرف جلوگیری از سقوط امل، کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا بود طوفان اصلی از جنوب غربی کشور وزیدن گرفت. خلبانان همدانی پایگاه سوم مرتب درباره تمرکز و تجمع و تحرکات ارتش عراق هشدار می‌دادند. این در حالی بود که در تهران کسی موضوع را چندان جدی نمی‌گرفت. در اصفهان سرگرد جوان نهماجا عباس بابایی خلبان اف ۱۴ صادر کرد. او و مردانی نظیر

سرهنگ جواد فکوری، سرهنگ تایش فر فرمانده پایگاه چهارم وحدتی و سرهنگ فرزانه فرمانده سرعت گرفتن خریدهای نظامی صدام در سال ۵۹همه را نگران کرده بود. عراق در اوایل همان سال ۲۴ فروند جنگنده میگ ۲۵ و ۲۰ فروند میگ ۲۳ تحویل گرفته بود و ضد اطلاعات ارتش از قرارداد خرید ۶ میراژ جدید خبر داده بود.

■ کتاب «کارنامه نبردهای زمینی» سندی بر هوشیاری نیروهای ایران از نیت شوم دسام
متأسفانه همواره در احیات رسمی کشور اعلام می‌شود که کشور در دحله عراق غافلگیر شده حال آنکه اسناد و اطلاعات نشان می‌دهد که تنها بخشی از مقامات سیاسی کشور غافلگیر

اگر نیروی هوایی نبود…

برای بسیاری از مردم بویژه نسل جوان همواره این پرسش مطرح است که چرا پرسنل نیروی هوایی با وجود وضعیت مناسب مالی و جایگاه شغلی خوب، در سال ۵۷ خیلی زود به صف مردم و انقلاب پیوستند. پاسخ ساده است: عدالت. ایران درسالی که خیزش‌های مردمی سریع‌تر گرفت دارای پنجمین قدرت هوایی جهان بود و حقوق ارتشیان بویژه خلبانان نیروی هوایی بسیار مکنفی و حتی محیط کاری مناسبی نیز برای پرورش استعداد‌های جوانان بود اما ما هم انسان بودیم و آرمانخواه. فقر بخش‌هایی از جامعه آزار دهنده بود. از طرفی نیروهای فنی نیروی هوایی که عمدتاً جوان و بسیار باسواد و باانگیزه بودند چندان از اینکه زبردست پرسنل خارجی



علی فغوری پژوهشگر جنگ

شدند اما ارتش بویژه نیروی هوایی و بخش‌هایی از رزمندگان سپاه بسیار زودتر از بقیه از نیت صدام باخبر شده بودند، چرا که عملاً شاهد تحرکات دشمن بودند. کتاب کارنامه نبردهای زمینی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه دشان می‌دهد که قبل از شروع رسمی جنگ عراق ۲۶ حمله هوایی و ۵ عملیات زمینی در استان آذربایجان غربی، ۱۵حمله هوایی و ۸ عملیات زمینی در کردستان، ۷۸ عملیات هوایی و ۳۸۰ عملیات زمینی در استان کرمانشاه، ۷۰ حمله هوایی و ۱۷۱عملیات زمینی در استان ایلام و ۸۲ عملیات هوایی و ۱۴۵ عملیات زمینی در استان خوزستان انجام داده بود.

طبیعی بود که ارتش بویژه نیروی هوایی چنین تحرکات سنگینی را به حساب سوءتفاهم نمی‌گذارد! ایران در آن سال‌ها از هواپیماهای شناسایی و جاسوسی بزرگی با نام خفاش بهره‌مند بود (هنوز هم در خدمت هستند) افسران این واحد که با نام «فاشا» در خدمت کشور بودند با توجه به آموزه‌های خود پی برده بودند که چنین حجمی از جابه‌جایی و فرکانس‌های دریافت و ارسال پیام بدون دلیل نیست. متأسفانه پیام‌های آنها جدی گرفته نشد. نظامیان امریکایی که به‌دلیل نقش اساسی در شکل گیری نیروی هوایی از توان بالای آن آگاه بودند مرتباً به کاخ سفید هشدار می‌دادند که تشویق صدام به حمله به ایران بدون توجه به توان هوایی ایران اشتباه محض است و می‌تواند اقتصاد عراق را با فروپاشی مواجه کند و قیمت نفت را بشدت افزایش دهد. (اتفاقی که بعدها رخ داد و برای ۸ سال صادرات نفت به دنیا را با مشکل مواجه کرد) بنابراین قرار شد تا با کمک چند خلبان سرخورده، تعدادی تکاور، کمک‌های اطلاعاتی امریکا و نیروهای وفادار به شاهپور بختیار با محوریت پایگاه سوم شکاری همدان کودتایی علیه انقلاب شکل بگیرد. این طرح آتقدرد خام و احمقانه بود که هنوز هم افسران با سابقه نیروی هوایی آن را قدیمی برای شکستن کمر آخرین سنگر مابین ارتش آماده عراق و شهرهای غربی و جنوبی کشور می‌دانند. به هر تقدیر کودتا در تیرماه شکست خورد اما پس لرزه‌های آن موجب اخراج صدها خلبان بزرگ، فرمانده، افسر و درجه دار شایسته شد.کار به گونه‌ای پیش رفت که تعداد

۴۴

■ نظامیان امریکایی که به‌دلیل نقش اساسی در شکل‌گیری نیروی هوایی از توان بالای آن آگاه بودند مرتباً به کاخ سفید هشدار می‌دادند که تشویق صدام به حمله به ایران بدون توجه به توان هوایی ایران اشتباه محض است و می‌تواند اقتصاد عراق را با فروپاشی مواجه کند و قیمت نفت را بشدت افزایش دهد

■ جنگ ۳۱ شهریور آغاز شد و ظرف یک ماه نیروهای هوایی و زمینی ارتش بلایی بر سر ارتش عراق آوردند که نه تنها صادرات نفت این کشور قطع شد بلکه کلیه پل‌ها، باراندازها، جاده‌های اصلی و خطوط لجستیک مورد نیاز ارتش زمینی عراق از دست رفت

یک سوخو ۲۲ را از ۲۵ مایلی شکار کردند.
یک اف ۱۴ دیگر نیز یک میگ ۲۱ را از ۳۰ مایلی با فونیکس سرنگون کرد.
همان روز جنگنده‌های پایگاه ذی قار (ناصریه) عراق دیوار صوتی را در قصر شیرین شکستند و به تلافی، شکاری‌های پایگاه دزفول یک ستون از نیروهای دشمن در شرق خط مرزی را با بمب‌های قدرتمند به آتش کشیدند.

■ ثبت ۲۷۰۰ پرواز توسط نیروی هوای ایران در ۱۷ روزاول جنگ تحمیلی

۲۲شهریور روزی خونین برای عراق بود.پایگاه سوم به فرماندهی افسر شجاعی که بعدها لیبر اصلی حملات بزرگ و ادامه دار علیه عراق شد با نام فرج اله براتیور منتظر دستور مقامات سیاسی نماند و نیروهای پیش آمده عراق بین تنگ‌تکاب نو و کهنه را زیر بمباران‌های گسترده گرفت. عصر همان روز یک واحد بزرگ عراقی متشکل از دوگردان زرهی و ۸ بالگرد میل ۸، مرز غربی قصد ورود به خاک ایران را داشت که از بدبباری به ۴ فانتوم تا بن دندان مسلح برخورد می‌کند. دوفانتوم مسلح به ۸ بمب بزرگ ۱۶ تانک را از بین برده و ۲ فانتوم دیگر بالگردها را تعقیب می‌کنند. بالگردهای عراقی از هم باز شده و سعی می‌کنند با پخش شدن مانع تلفات شوند.خلبانان فانتوم که از کارکشته‌های پایگاه شاهرخمی بودند ابتدا با سایدواندر سعی می‌کنند تا بالگردهای عراقی را به زیر بکشند اما چرخش‌های بی دربی دشمن آنها را ناکام می‌گذارد. لازم به ذکر است که سرعت بسیار کم بالگرد مانع از قفل راداری روی آنها می‌شود و این نقض امروز هم برای شکاری‌ها برقراراست و اگر خلبان بالگرد حرفه‌ای و خونسرد باشد می‌تواند به سادگی از چنگ دشمن بگریزد. اما آن روز دشمن یک مشکل بزرگ داشت. دسته عراقی باید از کوه‌های جاویدان زاگرس و از دو ماه قبل از ۳۱ شهریور (تاریخ رسمی آغاز جنگ) آغاز کردند.

اما هوایماهای ایران از تعداد خلبانان آماده آن بیشتر بود!
اما تمام این اتفاقات سبب نشد تا نیروی هوایی دست از کار بکشد. فرماندهی نیروی هوایی بدون کسب تکلیف از ستاد کل، اقدامات خود را آغاز کرد.گشت‌های ۲۴ ساعته، دستور رهگیری و انهدام و مراقبت از گردنه‌های اصلی صمیمی به داخل دوگردان زرهی و ۸ بالگرد میل ۸، مرز غربی قصد ورود به خاک ایران را داشت که از بدبباری به ۴ فانتوم تا بن دندان مسلح برخورد می‌کند. دوفانتوم مسلح به ۸ بمب بزرگ ۱۶ تانک را از بین برده و ۲ فانتوم دیگر بالگردها را تعقیب می‌کنند. بالگردهای عراقی از هم باز شده و سعی می‌کنند با پخش شدن مانع تلفات شوند.خلبانان فانتوم که از کارکشته‌های پایگاه شاهرخمی بودند ابتدا با سایدواندر سعی می‌کنند تا بالگردهای عراقی را به زیر بکشند اما چرخش‌های بی دربی دشمن آنها را ناکام می‌گذارد. لازم به ذکر است که سرعت بسیار کم بالگرد مانع از قفل راداری روی آنها می‌شود و این نقض امروز هم برای شکاری‌ها برقراراست و اگر خلبان بالگرد حرفه‌ای و خونسرد باشد می‌تواند به سادگی از چنگ دشمن بگریزد. اما آن روز دشمن یک مشکل بزرگ داشت. دسته عراقی باید از کوه‌های جاویدان زاگرس و از دو ماه قبل از ۳۱ شهریور (تاریخ رسمی آغاز جنگ) آغاز کردند.

آن گونه که سرتیب فنی جوادی‌نیا می‌گوید ۱۲ خلبان به دفتر فرمانده لشکر ۹۲ فرستاده شدند تا با تشکیل ۳۰ پست اف ای سی (افسر ناظر مقدم) تحرکات دشمن را تحت نظر بگیرند تا ضمن ارتباط با رزمندگان زمین پایه آمادگی پشتیبانی نزدیک هوایی را داشته باشند. از طرف دیگر کارکنان فاشا (فرماندهی اطلاعات شناسایی و الکترونیکی) که واحدی به کلی سری بود ارائه گزارش‌های رسمی را آغاز کردند، طوفان در راه بود. شهریور، ماهی ویژه برای نیروی هوایی بود.

افسران خلبان در حالی که تمهت خیانت را در پشت سر خود داشتند هلمت‌ها را روی سر گذاشته و به مأموریت می‌رفتند. آنها در حالی‌که نمی‌دانستند روزی دیگر چه در انتظار آنهاست به سمت مأموریت می‌رفتند. بیش از ۴ هوایپمای نیروی هوایی در ماه‌های تیر و مرداد در اثر درگیری هوایی با دشمن یا مشکلات ناشی از مأموریت از دست رفتند و حداقل ۱۰ هوایپمای عراقی نیز به زیر کشیده شد اما در شهریور ماه نیروی هوایی تعارف را کنار گذاشت و رسماً وارد نبرد شد.مطابق تمرینات و آموزش‌های قبلی، ضربه پیشگیرانه بسیار موفق‌تر از استراتژی دفاع بود. با شکل گیری هسته‌های اولیه تاب کاورها(هواپیماهایی که در ارتفاع بسیار بالا مراقب همه چیز هستند) و رهگیرها، نیروی هوایی تصمیم گرفت به هر هواگردی که حتی چند دقیقه وارد خاک کشور می‌شود فرصت بازگشت نهد.

روزهای ۱۸ تا ۲۰ شهریور هواپیماهای اف ۴ و اف ۵ دهها تانک عراقی را در اطراف پل‌های یعقوبی بیدادند. اصلی عراق نیز کم‌نظیر بود. آنها دهها خلبان ما را در رینل کش و خان لیلی را قطع کردند.۱۹ شهریور سرگرد عطایی و سروان پاشایی با موشک فونیکس جنگ ۳۱ شهریور آغاز شد و ظرف یک ماه نیروهای هوایی و زمینی ارتش بلایی بر سر ارتش عراق آوردند که نه تنها صادرات نفت این کشور قطع شد بلکه کلیه پل‌ها، باراندازها، جاده‌های اصلی و خطوط لجستیک مورد نیاز ارتش زمینی عراق از دست رفت.نیروی هوایی ۳۷۰۰ پرواز ثبت شده تنها در ۱۷ روز اول جنگ داشت که نه تنها منتج به اتفاقات بالابود بلکه پایگاه‌های هوایی عراق را از گردونه نبرد خارج کرد و به یک روایت تانک‌هاوتوان موتوریزه عراق را با نابودی با از سوخت محروم کرد. نبردهای مرگبار همراه البته منجر به شهادت دهها خلبان ایرانی و انهدام حداقل ۱۰۰ هواگرد عراقی شد.این اتفاقات صدام را وادار کرد تا عملیاتی شدن کامل ۶۰ میراژ، دو اسکاداران میگ ۲۵ و ۳ اسکاداران میگ ۲۳ بیشتر شکاری بمب افکن‌های خود را به غرب عراق (پایگاه معروف به اچ ۳) منتقل کند.

این اتفاق موجب شد که بالگردهای کبرای نیروی زمینی به همراه نفرات تازه نفس سپاه و ارتش ، ضد حمله‌های جدی را علیه دشمن در تمامی خطوط مرزی آغاز کنند. در حقیثت صدام حسین نبرد با ایران را در سی و چهارمین روز نبرد باخت ، زمانی که برای گرفتن خرمشهر یک ماه حیاتی را از دست داد. زمانی که سپاه سوم بدون سپرهوایی روزها تحت بمباران شدید، روحیه و توان زرهی خود را از دست داد و یک واحد وزیزده نیروی دریایی در کنار سپاه و نیروهای زمینی و مردمی خرمشهر را باتلافی آنها را ویران کردیم موفق باشند.
بله مردانی نظیر سرگرد علی اقبالی، سرهنگ عباس دوران، سرهنگ جواد فکوری، سرگرد اسداله